

زندگینامه مرحوم استاد عبدالرحمن پژواک

اقتباس و تلخیص از کتاب (الماس ناشکن)

شاعر دانشمند و سیاستمدان معروف افغان، مرحوم استاد عبدالرحمن پژواک فرزند قاضی عبدالله، در سال ۱۲۹۸ هجری شمسی چشم به دنیا گشود

آثار نکاویت از همان کودکی در سیمای عبدالرحمن (استاد پژواک) نمایان بود، وی دروس ابتدایی را نزد پدرش که فقیه و عالم معروف عصر خود بود و همچنین نزد برادر بزرگش قاضی حفیظ الله در دهکده آبایی خود واقع در قریه باغبانی و لسوالی سرخورد ننگرها را فرا گرفت و قبل از آنکه پا به مکتب ابتداییه (مطلع دانش) واقع در نزدیکی قریه باغبانی بگذارد تا حد زیاد از نعمت سواد و دانش ابتدایی بهره مند بود.

عبدالرحمن پژواک بعد از دو سال درس خواندن در این مکتب، مجبور شد با پدر و فامیل خود به کچه (کیره)، خوگیانی نقل مکان کند، زیرا پدر بزرگوارش عهده دار محکمه آنجا گردید. قاضی عبدالله بعد از مدتی به محکمه مرافعه کابل تبدیل شد.

یک خانه بزرگی را در نوآباد ده افغانان کابل خرید و با فامیل خود در آن سکونت اختیار کرد. عبدالرحمن شامل لیسه حبیبیه شد دروس خود را در آنجا باموفقیت تمام پیش می برد و علاوه بر آن در اثر استعداد و شوقی که در شعر و ادبیات داشت در کنفرانس های لیسه حبیبیه، اشعار و مقالات خود را قرائت میکرد و نیز ستاره درخشان تیم فوتبال آن لیسه شناخته می شد.

وی بعد از پایان مؤفقاانه دوره لیسه برای مدت دو سال در یگانه فاکولته وقت که در رشته طب بود تحصیل کرد. در همین وقت بود که پدر شان که بحیث رئیس تمیزدر ستره محکمه ایفای وظیفه می نمود، در اثر سکنه قلبی وفات یافت.

مرگ نابهنگام پدر، تاثیرات ناگوار و عمیقی در شیوه زندگی و آرامش فامیلی وی برجا گذاشت. چون برادر بزرگ استاد پژواک در جریان اجرای وظیفه بحیث قاضی در شمالی، به قتل رسیده بود، استاد پژواک به حیث فرزند بزرگ سرپرستی فامیل را بعد از وفات پدر، بدوش گرفت. به منظور رسیده گی بهتر به تربیه برادران و اعضای فامیل مجبوراً تحصیل را ترک گفته خانه پدری در کابل را فروخت، اثاث و خورد سالان فامیل را واپس به باغبانی اعزام داشت.

استاد پژواک با استفاده از استعداد خود، کار عملی را ابتدا به حیث ترجمان و بعداً در سایر وظایف پر مسؤولیت در ریاست مستقل مطبوعات آن وقت آغاز کرد.

در جریان اجرای وظایف در ریاست مستقل مطبوعات بنا بر استعداد خوب در شعر، ادب و امور محوله مطبوعاتی توجه مسؤولین امور را به خود جلب کرد. وی ابتدا در آثار خود (وفا) تخلص داشت و بعد (ارمانجن) را بر گزیدو بالاخره با انتخاب تخلص ((پژواک)) به واقعیت انعکاس دهنده ندای آرمانهای والای جامعه افغانی و کتله بشری گردید.

چکیده های آثار و اشعار استاد عبدالرحمن پژواک در هر دو زبان پشتو و دری زیب و زینت نشرات کشور شده و در مقام شعرا و ادبا که بعداً همه دوستان و علاقمندان او گردیدند؛ مقام ارجمندی را کسب کرد.

استاد پژواک در سال ۱۹۴۶ بحیث اتشه مطبوعاتی و کلتوری در سفارت کبرای افغانی مقیم لندن توظیف گردید و برای بارنخست به سفر و مطالعه در خارج از کشور پرداخت . با کار در ساحه دیپلوماتیک آشنا شد، و در آنجا آثاری بزبان انگلیسی در معرفی افغانستان و داعیه پشتونستان بنشر رسانید .

وی در طی دوره همین ماموریت، تحصیلات خود را در رشته ژورنالیزم و مناسبات بین المللی در یونیورسٹی ادنبره سکاٹلند، به پیش برد .

استاد پژواک در اثر بروز اختلاف نظر با مقام سفارت، ازوظیفه خویش استعفی نموده و در شعبه اطلاعات دفتر بین المللی کار و کارگر شامل کار شد . در سال (۱۹۴۷) بعد از یکسال خدمت، بحیث اتشه مطبوعاتی در سفارت افغانی مقیم واشنگتن، توظیف گردید .

بین سالهای (۱۹۴۸-۱۹۵۰) از آنجا دوباره بحیث اتشه مطبوعاتی و کلتوری به سفارت افغانستان مقیم لندن تبدیل گردید ولی بعد از مدتی، از این وظیفه نیز مستعفی شده، به وطن برگشت نمود و مدتی را بدون داشتن وظیفه رسمی سپری کرد و در سال (۱۹۵۳) در وزارت خارجه توظیف گردید.

استاد پژواک در اثر ابراز لیاقت و شایستگی در امور شعبات مختلف آن وزارت، موفق به احراز مقام مدیریت عمومی سیاسی گردید (۱۹۵۵-۱۹۵۸).

استاد پژواک با احراز این مقام پر اهمیت توانست در همه کنفرانسهای منطقوی ممالک غیر منسلک و بین المللی، بحیث نماینده بر جسته افغانستان، سهم بگیرد که از جمله می توان از عضویت وی ضمن هیئت افغانی در اولین کنفرانس سران ممالک غیر منسلک در باندونگ اندونیزیا (۱۹۵۵) که اساس نهضت عدم انسلاک در آنجا گذاشته شد و افغانستان بحیث عضو مؤسس آن شناخته شد، نام برد.

استاد پژواک در سال (۱۹۵۸) ابتدا بحیث وزیر مختار و بعداً بحیث سفیر کبیر و نماینده دائمی افغانستان در سازمان ملل متحد تعیین و به نیویارک اعزام شد.

وی برای مدت تقریباً چهارده سال وظایف، این کرسی را با موفقیتهای چشمگیری پیش بُرد . وی با اهلیت و کفایت کم نظیری که در امور بین المللی از خود نشان داد، به حیث یکی از چهره های درخشان و قابل اعتماد سازمان ملل متحد شناخته شد، بهمین دلیل در جریان انجام ماموریت، بحیث سفیر کبیر افغانستان وظایف مهم و متعدد دیگری نیز از طرف سر منشی ملل متحد به تائید اعضای شورای امنیت به وی سپرده شده بود.

بطور مثال:

- ۱- رئیس کمیته خاص برای حل معضله ویتنام جنوبی
- ۲- رئیس کمیته تجدید نظر بر منشور سازمان ملل متحد
- ۳- رئیس کمیسیون حقوق بشر ملل متحد
- ۴- رئیس جلسه خاص اسامبله عمومی در امور نامیبیا

استاد پژواک علاوه بر عضو هیئت افغانی در کنفرانس مهم سران ممالک غیر منسلک در بلگراد (۱۹۶۱) و قاهره (۱۹۶۴) نیز اشتراک داشته است .
استاد پژواک بر اساس برآوردگی سیاسی و اعتمادی که نزد سرمنشی ملل متحد و سایر نمایندگان دول عضو کسب کرده بود بین سالهای (۱۹۶۶-۱۹۶۷) بحیث رئیس بیست و یکمین اجلاس عمومی آن سازمان ، انتخاب شد که کسب این مقام ارجمند، مایه سرافرازی بیشتر خودش و کشور محبوبش در جامعه جهانی گردید .

طی دوره ریاست اسامبله عمومی ، استاد پژواک ریاست برخی از جلسات اضطراری را که به اثر شعله ور شدن جنگ بین عرب و اسرائیل اوضاع بین المللی را بیش از هر وقت دیگر، متشنجتر ساخته بود؛ نیز بعهده داشت .

همه اعضای شورای امنیت و نمایندگان ممالک رو به انکشاف ، استاد پژواک را بحیث شایسته ترین کاندید مقام سر منشی آینده یاد کرده و تحقق آنرا بدون دغدغه پیشبینی می کردند.

استاد پژواک در سال (۱۹۷۲) بحیث سفیر کبیر در بن آلمان غربی و در طی سالیان (۱۹۷۳-۱۹۷۶) بحیث سفیر کبیر در دهلی و بعداً بحیث سفیر کبیر در لندن ایفای وظیفه نمود . در جریان ماموریت دهلی ، وظایف مهم ذیل را نیز انجام داد :

- ۱- نماینده خاص رئیس جمهور و رئیس هیئت افغانی در کنفرانس سران ممالک غیر منسلک در الجزایر (۱۹۷۳)
- ۲- نماینده خاص رئیس جمهور و رئیس هیئت افغانی در کنفرانس سران ممالک اسلامی در پاکستان (۱۹۷۳)
- ۳- عضو هیئت افغانی در کنفرانس سران ممالک غیر منسلک در کولمبو (۱۹۷۷)

استاد پژواک با کودتای خونین و ننگین هفت ثور (۱۹۷۸) و مقدمه اشغال کشور از طرف قوای متجاوز شوروی از مقام سفارت در لندن استعفی نموده به وطن عودت کرد ، بمجرد مواصلت به کابل از طرف رژیم نورمحمد ترکی در منزل تحت نظارت قرار گرفت .

مرحوم استاد پژواک طی ملاقاتیکه به اصرار ببرک کارمل رئیس دولت وقت باوی صوت گرفته بود، از همکاری با ((جبهه ملی پدر وطن)) او امتناع ورزید.

در همین آوان بود که صحت استاد پژواک رو به وخامت گذاشت و خونریزی بطنی پیدا کرد .

وی مجبوراً به اثر توصیه و اصرار دکتوران معالج عازم دهلی و لندن گردید (۱۹۸۰) استاد پژواک ، بعد از انجام عملیات و بهبودی نسبی واپس به کابل مراجعت کرد و در راه آزادی کشور و اعاده حقوق و تعیین سرنوشت آن ، از طریق ممکنه و مخفی داخل فعالیت شد که از جمله توانست به همکاری یکتعداد دوستان و جوانان ((انجمن حقوق بشر)) را بصورت مخفیانه تاسیس نماید .

صحت استاد پژواک متأسفانه باز هم رو به خرابی گذاشت و در سال (۱۹۸۲) ، غرض تداوی و مبارزه بر ضد نظام کمونیستی عازم دهلی گردید و در دهلی با دایر کردن یک کنفرانس مطبوعاتی

در هتل آشوکا ضدیت خود را با نظام و اشغال ممالک از طرف قوای شوروی اعلام داشت و از سازمان ملل متحد تقاضای پناهندگی سیاسی نمود .

مرحوم استاد پژواک بعد از انجام یک سلسله معالجات ، برای جلب پشتیبانی جهاد بر حق مردم آزادیخواه و مسلمان افغانستان و مذاکره با برخی از شخصیت‌های افغانی و مراجع دیگر ، عازم آلمان شد .

سفارت پاکستان در آلمان غربی به هدایت حکومت خود، از استاد پژواک دعوت بعمل آورد تا جهت مذاکره و پیدا کردن راه حل برای قضیه افغانستان بحیث مهمان براننده حکومت پاکستان وارد آن کشور گردد ، استاد پژواک هم تاخیر را صواب نپنداشته عازم پاکستان شد .

بعد از توقف سه ماهه و مذاکرات در پاکستان، مجدداً جهت مفاهمه با افغانها و سازمان ملل متحد، عازم اروپا و امریکا گردیده متعاقباً به پاکستان برگشت (۱۹۸۳) و به فعالیت‌های سیاسی تماس‌های مستقیم با رهبران جهادی ، قوماندانان و سران اقوام و قبائل دانشمندان و ژورنالیستان شدت بخشیده و از طریق مصاحبه ها و نوشتن مقالات و مضامین در (نشریه مجاهدولس) و غیره وسایل ، همه را متوجه عواقب وخیم عدم اتحاد شان در جبهات نظامی و سیاسی می کرد .

چون حکومت پاکستان این آمال و اعمال مؤثرانه استاد پژواک را مغایر منافع و پلانیهای مطروحه خود تشخیص داد؛ بعد از مدتی اقامت و موجودیت مزید استاد پژواک را در منطقه حساس پشاور بیشتر تحمل نتوانسته رسماً او را ((شخص نامطلوب)) اعلان داشت تا هر چه زودتر ، خاک پاکستان را ترک گوید و تا زمان اخراج استاد پژواک را در منزل شدیداً تحت مراقبت قرار دادند. وی بالاخره به وساطت دفتر پناه گزینان ملل متحد ، عازم امریکا شد .

مرحوم استاد پژواک در نیویارک مذاکرات صلح ژنیو را که در آن به مجاهدین حق اشتراک داده نشده بود با ارائه دلایل معقول رد کرد و در مقابل پلان پنج فقره ای صلح سازمان ملل متحد، از نگاه حفظ مصالح عالیای مردم افغانستان ، پلان عادلانه دیگری را ترتیب و به سازمان ملل متحد تسلیم کرد .

مرحوم استاد پژواک ، بعد از انجام یک سلسله فعالیتها و تداوی با بدست آوردن ویژه مسافرت ، جهت اشتراک در سیمینار مربوط به افغانستان در اوایل سال (۱۹۹۱) بار دیگر عازم پاکستان گردید .

استاد پژواک ، از آغاز جهاد برحق و ملی مردم افغانستان ، معتقد به این بود که رهبران و شخصیت های مبارز افغانی به مجرد میسر شدن امکانات ، مرکز واحدی را برای پیشبرد فعالیت های جهادی و سیاسی خود در داخل کشور تعیین و مستقر سازند .

هدف اصلی از این تلاش و اصرار این بود که پیش از به ثمر رسیدن جهاد و سقوط نظام کمونیستی ، مجاهدین بتوانند مؤفق به ایجاد تشکیلات واحد سیاسی و اداری شوند تا بعداً خلای سیاسی و زمینه تصادم بین تنظیم های مختلف بوجود نیاید که عواقب آن خیلی وخیم و درد ناک برای مردم و وطن خواهد بود .

برای تحقق مفکوره فوق و سایر آرمانهای خود ، مرحوم استاد پژواک بعد از مسافرت‌های مکرر به اروپا امریکا ، پاکستان و مطالعه سرد و گرم مراحل مختلف جهاد آزادیخواهانه و دلیرانه مردم

غیور افغانستان، بالاخره تصمیم گرفت تا در اوایل سال (۱۹۹۱) به پاکستان سفر نموده و در شهر پشاور که هرگز آنرا خطه بیگانه نمی شناخت رحل اقامت گزیند .

محل اقامت استاد پڑواک در پشاور یکبار دیگر مرکز دید و بازدید های مجاهدین ، دانشمندان ، خبر نگاران داخلی و خارجی و یک تعداد کثیر مردم وطن شد.

مداخلات محیلانه ، حکومت های همسایه و سایر کشور های خارجی ، ایجاد تفرقه بین اقوام برادر و برابر افغان و دوام جنگ نا میمون داخلی ، که باعث قتل ظالمانه هزاران هموطن بیگناه و ویرانی مزید شهر تاریخی کابل و دیگر نقاط کشور میگردد، روحاً و جسماً استاد پڑواک را آزرده میساخت که این آزردگی و انزجار خود را دائماً در مصاحبه ها ملاقاتها ، اشعار و نوشته ها تا روز های واپسین زندگی پر افتخار ش اظهار داشته است .

استاد پڑواک ، بنابر خصلت خاصی که داشت شعر و اثری اگر در سفر و حضر می سرود آنرا به یکی از دوستان یا اهل فامیل می سپرد. بدین لحاظ اگر آثار منظوم و منظوری تا حال از استاد پڑواک بصورت انفرادی و یامجموعی به چاپ رسیده ، بیشتر در اثر اهتمام دوستان یا اعضای فامیل وی بوده است . متأسفانه حتی او به جمع آوری آثار خود تا اخیر زنده گی نپرداخت .

آثار مرحوم استاد پڑواک بمراتب بیشتر از آنچه است که تا الحال به طبع رسیده و شماری آنها بزبانهای انگلیسی، فرانسوی عربی و روسی ترجمه و نشر شده است.

مرحوم استاد پڑواک ، شخصیت خیلی عالی و قابل احترام داشت در قول وفا در دوستی پایداری در اظهار حقایق ، صراحت لهجه و جرئت کم نظیری از خود نشان می داد.

استاد پڑواک چهره دلپذیر و صحبت گیرا و سرشار از طنز و لطیفه داشت در وقار و مناعت نفس، چون کوه پر صلابت بود ، در روش زندگی بدون هرگونه تعصب و تکلف بود. وطن و وطنداران را زیاد دوست می داشت و احترام می کرد. مصالح علیای کشور را مقدم بر همه چیز میدانست به مادیات هرگز تمایل نداشت ، و حتی سر پناهی برای خود نساخت و نپذیرفت که برایش بسازند .

استاد پڑواک را علاوه بر درد وطن و وطنداران آواره اش ، مریضی دوامدار رنج می داد و در اواخر او را خیلی ناتوان ساخته بود . ضربه سنگین دیگر برروح و قلب او سکنه قلبی و فوت همسر گرامی او بود که سوم حمل سال ۱۳۷۴ ، یعنی درست دو نیم ماه قبل ، از وفات خود استاد در پشاور واقع شد ، استاد پڑواک با وجود ضعف حالت ، تاءثر خود را از دیدن مرگ همسر در رباعی ذیل فی البدیهه اظهار داشت که آخرین کلمات گوهر بار شعری اش بحساب میرود .

ای همسر با وفا رفیق جاوید
رفتی ز جهان تیره، ترس و امید
داغت نتوان زدود از لاله ، دل
تا ماه بود در آسمان و تا بد خورشید

استاد پڑواک ، صبح روز پنجشنبه ۸ جوزا سال ۱۳۷۴ هجری شمسی ، مطابق به ۸ جون ۱۹۹۵ میلادی که مصادف با روز عاشورا و ماتم عالم اسلام بود به عمر هفتاد و شش سالگی در منطقه حیات آباد شهر پشاور وفات یافت. (انالله و انا الیه راجعون)

جنازه مرحومی بروز جمعه نهم جوزا ، طبق وصیت خودش در قبرستان آبایی شان واقع در قریه باغبانی سرخرود ولایت ننگرهار در حضور جمع غفیری از رهبران قوماندانان جهادی ، نمایندگان شورای ولایات شرقی ، علما ، شعرا و سایر منسوبین و علاقمندان بخاک سپرده شد.

خبر وفات استاد عبدالرحمن پژواک در کمترین وقت به اطلاع مردم در سراسر جهان رسانیده شد و تاثیر زیادی را در بین دوستان و علاقمندان افغانی و غیر افغانی ببار آورد در مقر سازمان ملل متحد واقع در نیویارک طی جلسه ای که در آن سر منشی و همه نمایندگان ممالک عضو اشتراک داشتند ، از وفات مرحوم استاد پژواک ابراز تاءثر شد و به پاس شخصیت عالی و خدمات شایان اودر سازمان ملل متحد پیام همدردی نیز از آن سازمان صادر گردید.

تذکر :

آژانس خبری پژواک ، گرچه به خانواده مرحوم استاد عبدالرحمان پژواک کدام رابطه ندارد ، اما این آژانس به همه افغانها با لخصوص با افغانهای نخبه و معروف ارج میگذارد .

بنا به ارادت خاص که این آژانس به استاد پژواک دارد ، زندگی نامه مختصر و نمای از فعالیت های سیاسی و علمی آن را به نشر رسانیده است .

پژواک به معنای (انعکاس صدا) است ، دلیل گزیدن این واژه به آژانس مذکور میرساند که این آژانس صدای مردم را انعکاس میدهد . همچنان علت دیگر انتخاب این نام ، ارج گذاشتن به مقام والای شخصیت ملی ، علمی ، سیاسی و ادبی استاد عبدالرحمان پژواک میباشد .

دانش کروخیل

رئیس و صاحب امتیاز

آژانس خبری پژواک